

## مقاله پژوهشی: بررسی تحریک خارجی در چالش‌های قومی (مطالعه موردی: آذربایجان ایران)<sup>۱</sup>

منصور صالحی<sup>۱</sup>، بهرام نوازی<sup>۲</sup>، مسعود جعفری نژاد<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۰

### چکیده

این مقاله با هدف پی بردن به چگونگی نقش کشورهای خارجی در ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران، تلاش دارد با ارائه راهکارهایی مناسب در راستای افزایش همبستگی ملی گام بردارد. سؤال اصلی مقاله این است که کشورهای خارجی چگونه به ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران می‌پردازند؟ فرضیه تحقیق عبارت است از: اشتراکات فرهنگی آذربایجان ایران با جمهوری آذربایجان و ترکیه و اقدامات تحریک‌آمیز این کشورها و آمریکا از عوامل مؤثر ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران است. روش پژوهش به صورت ترکیبی کیفی و کمی از طریق جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای با ابزار فیش برداری و روش میدانی با ابزار مصاحبه عمیق است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز به صورت توصیف داده‌ها و تحلیل محتوای کمی پس از دسترسی به تمام نتایج به دست آمده از منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه عمیق، صورت گرفته است. مهم‌ترین یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که وجود کشور جمهوری آذربایجان از نظر ۳۱ درصد کارشناسان در همسایگی آذربایجان ایران با اشتراکاتی در مؤلفه‌های قومی، تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای ترکیه از نظر ۳۲ درصد کارشناسان و اقدامات متعدد آمریکا برای تحریکات قومی در ایران از نظر ۳۱ درصد کارشناسان از مهم‌ترین عوامل ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران هستند.

**کلیدواژه‌ها:** تحریک خارجی، چالش قومی، آذربایجان ایران، همبستگی ملی، تبلیغات رسانه‌ای.

۱. مقاله علمی - پژوهشی برگرفته از رساله دکتری می‌باشد.
۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)  
mansor.salehi@yahoo.com
۳. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، دکتری علوم سیاسی، دانشگاه new south wales استرالیا، استرالیا
۴. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شهرضا، دکتری علوم سیاسی، دانشگاه علوم تحقیقات، تهران، ایران

## مقدمه

با گسترش کشمکش‌های قومی و افزایش اهمیت آن در سیاست بین‌الملل بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۱۹۹۰ میلادی و در آغاز قرن ۲۱ میلادی، شاهد توجهی فزاینده نسبت به مسئله قومیت و ناسیونالیسم در شاخه‌های گوناگون علوم اجتماعی بوده‌ایم. در این میان خاورمیانه با پراکندگی‌های گوناگون مذهبی و زبانی، توجه بسیاری از پژوهشگران امور قومیت و ناسیونالیسم را به خود جلب کرده است و همان‌طور که اسمان و رایینویچ<sup>۱</sup> عنوان کرده‌اند: «امروزه مسئله درگیری قومی، بیشتر از مباحث مطرح‌شده در نوشته‌های علمی، سیاست خاورمیانه را تشریح می‌کند» (ادواردز، ۱۳۸۳: ۲۱۸).

ایران نیز از قدیم‌الایام کشوری با ملت‌های متنوع از فرهنگ‌ها، شیوه‌های زیست، مذهب و زبان‌های مختلف بوده است. حضور و زندگی قومیت‌های مختلف چون فارس‌ها، ترک‌ها، کردها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، عرب‌ها و لر‌ها در چهارچوب جغرافیای سیاسی واحد، بیانگر تنوع فرهنگی - قومی جامعه ایران است (مقصودی، ۱۳۸۱: ۱۵). منطقه آذربایجان در تاریخ و فرهنگ ایران اهمیت خاصی دارد که این اهمیت از نقشی که آذربایجان در شکل‌دهی به هویت ملی (ایرانی - اسلامی) داشته است، نشأت می‌گیرد. رسمیت یافتن مذهب شیعه و تشکیل دولت ملی که در پهنای جغرافیای تاریخی ایران باستان گسترده شد، تلاش سرنوشت‌سازی بود که در آذربایجان به منصف ظهور رسید. گذشته از آن، آذربایجان در تاریخ ایران (قبل و بعد از اسلام) محل تلاقی هویت‌های بیگانه با هویت ایرانی بوده و نیز بسیار مورد تعرض قرار گرفته است (صدری و نیکبخت، ۱۳۸۶: ۷۰).

در سال‌های اخیر نیز آمریکایی‌ها برای ایجاد تحولات و چالش‌های قومی در ایران انواع مختلفی از سیاست‌های نرم (طرح خاورمیانه جدید، سرمایه‌گذاری‌های هنگفت برای قومیت‌های مختلف ایرانی، ایجاد تبلیغات رسانه‌ای و سوءاستفاده از حقوق بشر) و سخت (عملیات تروریستی، آدم‌ربایی و بمب‌گذاری) را دنبال کرده‌اند (حقگو، ۱۳۹۳: ۱۱ و ۲۰۵). از دید آنان زمانی که کشورهای نظیر ایران دچار چالش‌های قومی و بحران‌های داخلی باشند، از

ظرفیت‌های لازم برای ایفای نقش منطقه‌ای برخوردار نخواهند بود. در نتیجه تقویت کانون‌های مؤثر در ایجاد چالش‌های قومی در کشورهایمانند ایران، به یک راهبرد اولویت‌دار برای آنان تبدیل شده است. به گونه‌ای که گراهام فولر<sup>۱</sup> تحلیلگر عالی‌رتبه سازمان جاسوسی سیا در کتاب «قبله عالم» مسئله قومیت‌ها را به‌عنوان پاشنه آشیل ایران معرفی می‌کند که هرگاه قدرت‌های فرامنطقه‌ای با ایران درگیر شوند، درصدد استفاده از این اهرم فشار برمی‌آیند (کجوری و قمی، ۱۳۹۳: ۷۲).

از طرف دیگر، با توجه به اینکه قومیت‌های مختلف در ایران، اغلب در حاشیه مرزها، تحت نفوذ احتمالی کشورهای همسایه و گرایش به آن‌ها هستند، باعث تهدید و آسیب‌پذیری به حاکمیت ملی می‌شود و از نقطه نظر راهبرد امنیت ملی از اهمیت زیادی برخوردار است. در این راستا، برخی از کارشناسان مسائل قومی عنوان می‌کنند هم‌جواری آذربایجان ایران با کشورهای جمهوری آذربایجان و ترکیه و اشتراکات فراوان در زبان، فرهنگ و تاریخ با آن‌ها در ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران مؤثر بوده‌اند.

اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع از این جهت است تا بسترهای شکل‌گیری و رشد چالش‌های قومی که همگرایی و همبستگی ملی را تضعیف می‌کنند، شناسایی شوند تا راهکارهایی جهت مدیریت چالش‌های قومی در کشور ارائه شود تا به این وسیله هم‌جلوی کشورهای خارجی برای سوءاستفاده از ظرفیت اقوام در راستای اهدافشان در ایران گرفته شود و هم اقوام بتوانند با حل مسائل و مطالبات خود از طریق مسالمت‌آمیز، نسبت به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند احساس تعلق بیشتری کنند و در جهت ارتقای همگرایی و همبستگی ملی در کشور تلاش کنند.

از این رو هدف تحقیق حاضر این است «تا ضمن واکاوی انگیزه‌ها و اقدامات کشورهای خارجی از جمله آمریکا، جمهوری آذربایجان و ترکیه، در ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران، به شناسایی سیاست‌ها و برنامه‌های این کشورها پردازد که می‌خواهند

از تنوع قومی جامعه ایران سوءاستفاده کرده و چالش‌هایی را در این کشور به‌ویژه در ارتباط با آذربایجان ایران به وجود بیاورند».

بنابراین، سؤال اصلی تحقیق این است که «کشورهای خارجی چگونه به ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران می‌پردازند؟»

در این راستا، اولین فرضیه تحقیق عبارت است از: «جمهوری آذربایجان و ترکیه با استفاده از اشتراکات قومی و با اقدامات تحریک‌آمیز به ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران می‌پردازند».

فرضیه دوم تحقیق عبارت است از: «آمریکا از طریق سرمایه‌گذاری‌ها و اقدامات تحریک‌آمیز به ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران می‌پردازد».

## مبانی نظری

در یک جمع‌بندی از بررسی پژوهش‌های انجام‌شده به‌عنوان پیشینه این تحقیق، در پژوهش‌هایی که به بررسی نقش عوامل خارجی در بروز چالش‌های قومی در ایران پرداخته‌اند، مشاهده می‌شود که برخی از این پژوهش‌ها، فقط نقش یک کشور خارجی در ایجاد چالش‌های قومی در ایران را بررسی کرده‌اند و به‌طور مشخص منطقه آذربایجان مدنظر آن‌ها نبوده است و اگر هم به این موضوع پرداخته شده، ضعیف بوده است. در این رابطه می‌توان به کتاب حقگو (۱۳۹۴)، مقاله ماه‌پیشانیان (۱۳۸۸) و تحقیق کجوری و قمی (۱۳۹۳) اشاره کرد که نقش کشور آمریکا را در ایجاد چالش‌های قومی در ایران بررسی کرده‌اند و یا تحقیق قوشچی و نادری (۱۳۹۳) که نقش جهانی شدن را مدنظر قرار داده‌اند.

در برخی دیگر از پژوهش‌های بررسی‌شده، هم به عوامل خارجی و هم به عوامل داخلی تأثیرگذار بر چالش‌های قومی پرداخته شده است. در این رابطه می‌توان به کتاب‌های احمدی (۱۳۹۵)، صالحی امیری (۱۳۸۸) و مقصودی (۱۳۸۱) اشاره کرد که تقریباً به‌طور همه‌جانبه به تحولات قومی در ایران از منظر داخلی و خارجی توجه کرده‌اند که البته در این پژوهش‌ها نیز به‌طور مشخص به بررسی چالش‌های قومی پرداخته نشده و گاهی برخی

از عوامل تأثیرگذار در ایجاد چالش‌های قومی مورد توجه قرار نگرفته است. همچنین در این رابطه می‌توان به پایان‌نامه صالحی (۱۳۹۰) اشاره کرد که با اینکه عوامل متعدد داخلی و خارجی در بروز بحران‌های قومی را بررسی کرده است، ولی در یک بازه زمانی محدود تاریخی و در یک جغرافیای خاص به موضوع پرداخته و تأکید آن بیشتر بر روی بحران‌های قومی سال ۱۳۸۵ بوده است و یا تحقیق دعاگویان و عبدالرحمانی (۱۳۹۶) که ضمن بررسی تأثیر رسانه‌های داخلی در بروز چالش‌های قومی، به تبلیغات سیاسی شبکه‌های ماهواره‌ای و بزرگنمایی رسانه‌های فقر و محدودیت‌های برخی اقوام می‌پردازند.

در پژوهش حاضر محقق تلاش می‌کند تا از کمبودهای پژوهش‌های پیشین که درباره چالش‌های قومی انجام شده، خود را رها کند. از این رو، در این تحقیق به‌طور مشخص به نقش کشورهای جمهوری آذربایجان و ترکیه در ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران و اقدامات تحریک‌آمیز و سرمایه‌گذاری‌های عظیمی که آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی برای ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران انجام داده‌اند، پرداخته می‌شود.

کلمه قوم یا اتنی<sup>۱</sup> در فرانسه و اتنیک<sup>۲</sup> در انگلیسی از ریشه یونانی اتنیکوس<sup>۳</sup> مشتق شده است. اگرچه در ترجمه برخی از مشتقات این کلمه (از جمله اتنولوژی<sup>۴</sup> و یا اتنوگرافی<sup>۵</sup>)، واژه «مردم» به جای واژه «قوم» به کار برده می‌شود، اما در اغلب موارد از واژه قوم در ترجمه فارسی استفاده شده است (برتون، ۱۳۹۴: ۲۳۲). تفاوت عمده «قوم با قومیت» و «ملت با ملیت»، سیاسی شدن «قومیت و ملیت» نسبت به «قوم و ملت» است (فکوهی، ۱۳۸۹: ۲۹۳). از نظر کالهن «قومیت یکی از عناصر احتمالی است که یک کل محض از اشخاص را به یکدیگر پیوند می‌دهد و این پیوند آنان را به مردمانی قابل شناسایی - و آگاه از هویت خویشان - مبدل می‌سازد» (کالهن، ۱۳۹۳: ۹۹). بین قومیت را، آگاهی گروهی از تمایز و تضاد فرهنگی خود با گروه‌های دیگر می‌داند (بین، ۱۳۹۴: ۴۸۷). تنسی و جکسون عنوان می‌کنند که

1. Ethnie
2. Ethnic
3. Ethnikos
4. Ethnology
5. Ethnography

«واژه قومیت دربرگیرنده خطوط تقسیم افقی گوناگونی است که اجتماعات جغرافیایی را به گروه‌های فرعی که تا حدودی شیوه‌های زندگی و وجهه متفاوتی دارند، تقسیم می‌کند» (تنسی و جکسون، ۱۳۹۲: ۱۷۵).

در چالش قومی، حداقل یک طرف منازعه ادعا می‌کند نابرابری‌های موجود در جامعه، بی‌توجهی به ارزش‌ها، سنت‌ها و آداب و رسوم قومی و عدم دستیابی به منافع قومی در جامعه به خاطر هویت قومی متفاوت گروه قومی در یک جامعه متکثر قومی است (کردل و ولف، ۱۳۹۳: ۱۶). از نظر اسمیت، در اغلب مناطقی که منازعات قومی رخ داده، «اشکال و شدت چنین منازعاتی به میزان بسیاری ناشی از تاریخ روابط قومی در هر منطقه و الگوهای بنیادین بقای قومی و اعتقاداتی است که نیازمند شناخت و فهم هر اجتماع قومی - تاریخی، خاطرات مشترک و عقاید اعضای قومیت‌های خاص و فعالیت‌های فرهنگی روشنفکران آن‌ها هستیم» (اسمیت، ۱۳۹۱: ۲۰۱).

بروس کوئن<sup>۱</sup> عنوان می‌کند هر وقت در یک جامعه، اعضای گروه مسلط احساس کنند که گروه اقلیت، منافع اقتصادی و قدرت و اقتدارشان را تهدید می‌کنند و این احساس در اعضای گروه اقلیت نیز به وجود آید که اکثریت، ارزش‌ها و مؤلفه‌های آنان را نادیده می‌گیرند و موانعی بر سر راه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی‌شان گذاشته‌اند، هر دو گروه اکثریت و اقلیت برای غلبه به هم و برای دستیابی به مزایای بیشتر، در زمینه‌های مختلف با یکدیگر به شدت رقابت می‌کنند که در نهایت چالش و بحران قومی در جامعه اجتناب‌ناپذیر می‌گردد (کوئن، ۱۳۸۵: ۲۸۶). واکر کانور معتقد است «تعداد زیاد جنبش‌های تجزیه‌طلب خونین در دو دهه گذشته در جهان اول، دوم و سوم شاهد آن است که وقتی دو نوع وفاداری به ملت و وفاداری به دولت در تعارضی سازش‌ناپذیر قرار می‌گیرد، وفاداری به دولت بازنده می‌شود» (واینر و هانتینگتون، ۱۳۷۹: ۲۵۴).

از نظر آنتونی آبرشال<sup>۱</sup> پویش‌ها و منازعات قومی زمینه‌مندند و به دلیل وجود و آماده شدن بسترها و شرایط خاص، رخ می‌دهند. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی اغلب وقتی موضوع کسب، توزیع یا بازتوزیع منافع، امتیازات، قدرت و کسب سلطه در سطح عمومی مطرح شود، بسترهای وقوع چالش‌های قومی فراهم می‌شود؛ زیرا سلطه منافی دارد که گروه ممتاز و برخوردار با واگذاری آن مخالفت می‌کند و گروه مقابل برای دستیابی به آن تلاش می‌کند (Obershall, 2007: 13). مایکل هکتر<sup>۲</sup> در نظریه استعمار داخلی خود، بنیان چالش و تعارض قومی را در تبعیض و نابرابری و توزیع نادرست و ناهمگون منابع میان مناطق مختلف یک کشور که دارای قومیت‌های مختلف با فرهنگی متفاوت است، می‌داند (میسون، ۱۳۷۷: ۱۳۶).

از نظر رابرت گر<sup>۳</sup>، قومیت زمانی اهمیت می‌یابد که تعلق به گروهی مشخص، باعث تغییر در امنیت، شأن، رفاه اقتصادی یا دسترسی به قدرت آن گروه شده و اعضای گروه نسبت به اعضای گروه‌های دیگر دچار محرومیت شوند (Gurr, 2000: 4-6).

به گفته حمید احمدی، هیچ‌یک از نظریه‌های بسیج قومی به‌تنهایی نمی‌تواند سیاسی شدن مسائل قومی در ایران را به اندازه کافی تبیین کند. از نظر وی، ظهور دولت تمرکزگرای مدرن در ایران، نخبگان قدرتمند ایلات را به چالش طلبید و قدرت اجتماعی - سیاسی آن‌ها را از بین برد. نخبگان ایلی به‌منظور مقاومت در برابر سیاست‌های تمرکزگرایانه، به مقولات و علایق کهن مانند زبان و مذهب متوسل شدند تا مردم را علیه دولت مرکزی بسیج کنند. در عین حال، نیروهای بین‌المللی در ابعاد سیاسی و فرهنگی جنبش‌های ناسیونالیستی را در میان گروه‌های اقلیت مذهبی - زبانی تشویق و حمایت کردند (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۷۸ - ۱۷۶).

در علوم اجتماعی، طراحی و تدوین چهارچوب مفهومی برای یک متغیر نسبتاً جدید، کاری دشوار و دقیق است. به‌خصوص آنکه از یک سو باید الزاماً ریشه‌ها و مبانی نظری

- 
1. Anthony Abrachal
  2. Michael Hacker
  3. Robert Gurr

متغیرها واکاوی شود و از سوی دیگر تفاوت‌ها، ابتکارات و خلاقیت‌های مفهومی را در برداشته باشد تا نشان‌دهنده ارائه یک مفهوم جدید برای توصیف یک واقعیت بیرونی باشد. از منظر رویکردهای امنیتی، ریشه «امنیت هویت» را می‌توان از زاویه نظریه‌های کلاسیک امنیت ملاحظه کرد. در حالی که واقع‌گرایان در تعریف امنیت بر تهدیدات و فرصت‌های محسوس و عینی تأکید دارند، باری بوزان<sup>۱</sup> و سایر متفکران مکتب امنیتی کپنهاک معتقد بودند که مفهوم امنیت نباید تنها به حوزه مسائل و تهدیدات نظامی محدود بماند، بلکه معنای امنیت عام‌تر و در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی نیز قابلیت کاربرد دارد (شیهان، ۱۳۸۸: ۶۴). بوزان در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس»، مفهوم امنیت اجتماعات انسانی را مطرح کرد که منظور از آن حفظ هویت و به معنای «توانایی» جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی خود در شرایط متحول و تهدیدات واقعی یا احتمالی بود (بوزان، ۱۳۷۸: ۶۸). به‌طور خلاصه باید گفت مرجع امنیت در مکتب کپنهاک، «جامعه» است (شریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۶۳-۳۴۵) و هر روندی که تأثیرات نامطلوبی بر الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، کار جمعی، هویت، عادات مذهبی و ملی گذارد، تهدیدات فرهنگی و هویتی به شمار می‌آید.

در همین چهارچوب، از نظر رابرت ماندل<sup>۲</sup>، تهدیدات امنیتی به پنج مقوله تقسیم می‌شود. نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی. به عقیده وی، به‌طور کلی امنیت ملی بر میزان قابلیت نیروهای مسلح یک کشور برای حفاظت حکومت و روح ملی در مقابل تهدیدات قهرآمیز اطلاق می‌شود (ماندل، ۱۳۷۸: ۸۷). بر این اساس امنیت سیاسی - فرهنگی یعنی توانایی جامعه برای تداوم بخشیدن بر ویژگی‌های سیاسی - فرهنگی بنیادی خود در شرایط معقول و در مقابل تهدیدات احتمالی یا واقعی (ماندل، ۱۳۷۸: ۱۴۹). امنیت اقتصادی یعنی توانایی حفظ ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه با تأمین کالاها و خدمات مورد نیاز از طریق عملکرد داخلی و حضور در بازارهای بین‌المللی (ماندل، ۱۳۷۸: ۱۰۷). امنیت

---

1. Barry Buzan  
2. Robert Mundell



زیست‌محیطی به معنای حفظ و گسترش دسترسی مداوم به منابع طبیعی است که برای حفظ حیات شهروندی و روند زندگی آن کافی باشد (ماندل، ۱۳۷۸: ۱۳۶)؛ اما بعد سیاسی امنیت دارای دو معیار مهم است: ۱- میزان اقتدار دولت‌ها، حکومت‌های آن‌ها و ایدئولوژی سیاسی آنان و ۲- میزان تعامل، انسجام و همزیستی مسالمت‌آمیز هویت‌های فرهنگی و سنتی در بین ملت.

در همین چهارچوب از نظر فارست<sup>۱</sup> تهدیدات هویتی، تهدیداتی هستند که ارزش‌های کسب‌شده در معنای ذهنی را مورد تهدید قرار دهند. از نظر وی، امنیت هویت دقیقاً به معنای حفاظت از ارزش‌های بنیادی است که بقای یک فرهنگ را تهدید می‌کند و اهمیت‌یابی آن تحت تأثیر چهار عامل کاهش کنترل حکومت بر فضای اجتماعی خود، ظهور و تقویت جنبش‌های جدایی‌طلب فروملی، افزایش نفوذ خارجی و چهارچوب‌های در حال تحول داخلی و خارجی است که فرآیند اخیر ناظر به شکل‌گیری انتظارات و توقعات جدیدی است که توانایی حفظ هویت یکپارچگی را زایل می‌سازد و امکان تداوم بخشیدن به ویژگی‌های متمایز خود را تضعیف می‌کند (فارست، ۲۰۰۴: ۲۷-۲۰).

تنوع و تکثر قومی و فرهنگی ملت ایران فرصت بزرگی است که فراروی نظام اسلامی قرار گرفته است و ایران اسلامی با اتکای به این منبع عظیم و سرشار است که قادر به بقای فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی در برابر جریان جهانی‌سازی فرهنگی است. برخی از فرصت‌های ناشی از تنوع فرهنگی در ایران عبارت‌اند از:

- تنوع قومی و توسعه حوزه تأثیر ملی: ایران اسلامی می‌تواند با تلقی فرصت از تنوع قومی خود و تدوین راهبرد تعامل پویا با اقوام همانند در کشورهای همجوار به توسعه روزافزون نقش منطقه‌ای خود بیاندیشد و از این رهاورد، سطح تعاملات خود با قدرت‌های فرامنطقه‌ای را ارتقا دهد.

- تنوع قومی عامل توزیع فضایی جمعیت: تنوع و تعدد قومی موهبتی است که به توزیع فضایی جمعیت در پهنه سرزمین منجر شده و پاره‌ای دیگر از نیازهای کشور

از جمله امکان بهره‌وری از مناطقی که شرایط زندگی دشوار است را فراهم کرده و حتی دفاع سرزمینی از این مناطق را امکان‌پذیر ساخته است.

- **تنوع قومی عامل رقابت بین اقوام:** عامل رقابت بین اقوام یکی دیگر از فرصت‌هایی است که تنوع قومی به همراه دارد و در صورت برنامه‌ریزی، انگیزش‌های بسیاری را برای توسعه مناطق فراهم می‌آورد و نشاط اقتصادی و عمرانی لازم را در مردم و مسئولان ایجاد می‌کند. همچنین از تبعیض و بی‌عدالتی‌های فضایی پیشگیری و توسعه متوازن را تضمین می‌کند.

- **قومیت‌های فرامرزی و قابلیت تعاملات اقتصادی:** علایق مشترک قومیت‌هایی که در دو سوی مرزهای سیاسی قرار دارند، زمینه‌های بسیار مطلوبی را برای تعاملات فرهنگی و اقتصادی فراهم می‌آورد. بخش عمده‌ای از تعاملات اقتصادی بین کشورهای همسایه می‌تواند از طریق مبادلات مرزی و توسط تعاونی‌های مرزنشین انجام شود تا علاوه بر تحقق سیاست‌های اقتصادی، موجبات شکوفایی اقتصادی مناطق محروم و حاشیه‌ای کشور را نیز فراهم آورد.

- **قومیت‌های فرامرزی و قابلیت تعاملات فرهنگی:** نظام جمهوری اسلامی با ترسیم و برنامه‌ریزی صحیح می‌تواند تعاملات فرهنگی منطقه‌ای میان اقوام مختلف همانند در کشورهای همجوار را افزایش دهد و دستاوردهای بسیار مثبتی را در این حوزه فراهم آورد (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۳۰۷-۳۰۳).

جمهوری اسلامی ایران با تمدنی چند هزارساله دارای ملتی متشکل از اقوام مختلف در ساختار جمعیتی خود می‌باشد که این تنوع قومیتی تاکنون در نگاه برخی از برنامه‌ریزان و مدیران کلان کشوری به‌عنوان آسیب به انسجام کشور و گاهی نیز تهدیدی برای امنیت ملی به شمار رفته است. ولی واقعیت این است که اگر با رویکرد ایجابی به قومیت نگاه شود، فرصت‌های طلایی را می‌توان برای توسعه داخلی و تحکیم روابط منطقه‌ای با کشورهای همسایه پیدا کرد که حتی برخی از کشورهای توسعه‌یافته دنیا برای تنوع قومی با صرف هزینه‌های فراوان در جهت تسهیل مهاجرت اقوام مختلف به کشورهای خود اقدام

می‌کنند که این ظرفیت به جمهوری اسلامی ایران با اقوام مختلف در طول تاریخ عطا شده است و هم‌اکنون این اقوام خود را ذاتاً متعلق به ایران دانسته و سالیان سال در کنار هم به آبادانی و اعتلای نام آن در پهنه گیتی همت گمارده‌اند.

## روش‌شناسی

در این پژوهش، نوع تحقیق به صورت ترکیبی کیفی و کمی است. به طور کلی، تحقیقات کمی تحقیقاتی هستند که در آن‌ها محقق با استفاده از داده‌ها و آمارهای ریاضی به دنبال آزمون فرضیه‌ها می‌رود. پژوهش‌های کیفی نیز، تحقیقاتی هستند که اغلب در آن‌ها از داده‌های ریاضی و آماری استفاده نمی‌شود و در آن‌ها تنها به توصیف و تبیین یک پدیده پرداخته می‌شود. متغیرهای مستقل و وابسته این تحقیق به ترتیب «اقدامات کشورهای خارجی» و «چالش‌های قومی» می‌باشند. به عنوان نمونه، اقدامات تحریک‌آمیز کشورهای آمریکا، جمهوری آذربایجان و ترکیه به عنوان متغیر مستقل از بسترهای تأثیرگذار در ایجاد «چالش‌های قومی» به عنوان متغیر وابسته در آذربایجان ایران است.

تعیین جامعه آماری در بیشتر موارد بر نکاتی همچون اهمیت موضوع، قابلیت تعمیم‌پذیری، علاقه محقق و موجود بودن منابع مبتنی است (مختاری، ۱۳۹۷: ۳۹). از این رو در این تحقیق از نمونه‌گیری مقصودی استفاده شده است. در روش نمونه‌گیری مقصودی، محقق بر اساس مقصود و بر پایه قضاوت خود، موردهایی را انتخاب می‌کند که برای تحقیق مناسب می‌باشد. در این راستا، با استفاده از روش نمونه‌گیری قضاوتی و با توجه به موضوع پژوهش، فعالان، اساتید، کارشناسان حوزه‌های مطالعاتی چالش‌های قومی انتخاب شدند و با آن‌ها مصاحبه عمیق صورت گرفت. از این رو روش گردآوری اطلاعات بر مبنای ترکیبی، روش کتابخانه‌ای با ابزار فیش‌برداری و روش میدانی با ابزار مصاحبه عمیق است؛ بنابراین با توجه به حساسیت و اهمیت موضوع، چون ممکن بود دستیابی به افراد مورد نظر برای مصاحبه دارای مشکلاتی باشد و برخی حتی حاضر به همکاری نشوند و از

طرف دیگر تا زمانی که اطلاعات به دست آمده به اشباع نرسد، مصاحبه‌ها ادامه داشت که طی این شرایط در مجموع ۳۲ نفر انتخاب و با آن‌ها مصاحبه انجام شد.

روش مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز در این پژوهش، توصیف و تحلیل داده‌ها و تحلیل محتوای کمی می‌باشد. به این صورت که پس از انجام مصاحبه عمیق و دسترسی به تمام نتایج به دست آمده، توصیف و تحلیل داده‌ها و تحلیل محتوایی کمی صورت کل شمار از تمامی نتایج به دست آمده از مصاحبه عمیق صورت گرفت. از آنجا که تحلیل محتوا به دنبال شناخت معانی مستتر در یک متن است، در شکل ساده‌ای از تحلیل محتوای کمی، تعدادی مقوله از پیش تنظیم شد و با مراجعه به داده‌ها، نسبت به شمارش مواردی از متن که در آن مقوله خاص قرار می‌گیرند، اقدام شد.

### یافته‌های تحقیق

۱. کشور جمهوری آذربایجان چگونه به ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران

می‌پردازد؟

جدول ۱: توزیع فراوانی نقش جمهوری آذربایجان در ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران از

نظر کارشناسان بر حسب درصد

ردیف	گزینه	فراوانی	درصد
۱	وجود کشور جمهوری آذربایجان در همسایگی آذربایجان ایران با فرهنگ و زبان مشترک	۲۳	۳۱
۲	اقدامات متعدد تحریک‌آمیز جمهوری آذربایجان علیه ایران	۲۰	۲۷
۳	تأثیر رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای جمهوری آذربایجان	۱۳	۱۷/۵
۴	تردد اقتصادی، سیاحتی مردم آذربایجان به جمهوری آذربایجان و مقایسه خود با آن‌ها	۱۲	۱۶/۵
۵	حل نشدن مسئله قره‌باغ	۶	۸
	مجموع	۷۴	۱۰۰

طبق یافته‌های جدول ۱، وجود کشور جمهوری آذربایجان در همسایگی آذربایجان

ایران با هویت، فرهنگ و زبان مشترک، مهم‌ترین بستر چالش‌های قومی در آذربایجان ایران

است که ۳۱ درصد کارشناسان این موضوع را تأیید کرده‌اند. همچنین اقدامات متعدد تحریک‌آمیز جمهوری آذربایجان علیه ایران و تأثیر رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای این کشور به ترتیب با ۲۷ و ۱۷,۵ درصد، بیشترین نقش را در ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران دارند.

همان‌طور که کاوه بیات عنوان می‌کند، شکل‌گیری نگاه و خواسته قومی در ایران بیش از آنکه محصول مناسبات سیاسی و فرهنگی در خود ایران باشد، بازتاب شکل‌گیری پدیده‌هایی در خارج از مرزهای ایران بوده است (بیات، ۱۳۸۱: ۸۵). ناسیونالیسم «آذربایجانی» حاصل تحولات شکل‌گرفته در حاشیه مسلمان‌نشین امپراتوری روسیه در قفقاز بود که به گفته نصیب‌اف در پایان جنگ اول جهانی به تأسیس کشوری به نام «آذربایجان» در آن حوزه منجر شد (Nassibu, 2012: 6). از تبعات و تأثیر این پدیده در ایران امروز می‌توان به عنوان زمینه شکل‌گیری برخی از تحولات قومی در آذربایجان ایران نام برد. وجود یک قوم در دو طرف مرز، می‌تواند هر کدام از آن‌ها را تشویق به تحریکاتی جهت تشکیل یک حکومت خودمختار کند و به گفته احمدی و الوند، «اگر علقه قومی نسبت به وطنی که در آن زندگی می‌کند، کم شود و یا زیر سؤال برود و علقه و احساس نسبت به قوم خود ارجحیت یابد، قوم‌گرایی اساس تحرکات جهت دستیابی به یک حکومت واحد خواهد بود» (احمدی و الوند، ۱۳۹۱: ۱۶۳).

از طرف دیگر، استقلال جمهوری آذربایجان از شوروی که دولتی بر مبنای فرهنگ قومی آذربایجانی به وجود آورد، تأثیرات مثبتی بر روی ارتقای عزت نفس قومی آذربایجانی‌های ایران داشته است و همان‌طور که واحدی عنوان می‌کند: «برتر و فرادست بودن هویت بومی جمهوری آذربایجان و ترکیه باعث علاقه‌مندی و جذب مردم آذربایجان ایران به آن سوی مرزها می‌گردد» (واحدی، ۱۳۸۶: ۱۰۷). در این رابطه، شیفر عنوان می‌کند «آذربایجانی‌ها، در مرز کشور ایران متمرکز هستند که با مردم کشورهای همسایه خود ارتباط و پیوستگی دارند. افزون بر این ترک‌ها در کشورهای دیگر در اکثریت هستند و همین عامل تأثیر مهمی بر روابط دوجانبه ایران با همسایه‌هایش دارد» (Shifer, 2006) و

همان‌طور که هلد عنوان می‌کند «جهانی‌شدن عبارت است از برقراری پیوندها و ارتباطات متقابل میان جوامع و بدون تردید، فرهنگ مهم‌ترین جزء جهانی‌شدن است؛ زیرا فرهنگ محوری‌ترین پیوند میان ملت‌ها و مکان‌ها است» (Held, 2000: 48). به خاطر همین عوامل رهبر معظم انقلاب تمرکز قوای دشمنان بر موضوع فرهنگ را ناشی از اهمیت فوق‌العاده این عامل دانسته‌اند (شفیعی و محمدی، ۱۳۹۸: ۵۲).

فروپاشی شوروی و بروز کشورهای تازه‌استقلال یافته با موقعیت‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جدید و اختلافات قومی و مرزی سبب ورود بازیگران خارجی به‌ویژه آمریکا به این منطقه شد (شمس دولت‌آبادی و زرگزاده، ۱۳۹۸: ۸۰). در این راستا، جمهوری آذربایجان خاک خود را برای اقدامات خرابکارانه علیه ایران در اختیار آمریکا قرار داده که از آن جمله می‌توان به استقرار مراکز راداری و شنود ناتو در مرزهای شمالی ایران، شبکه‌های جاسوسی در مرزهای شمالی ایران و تبلیغات ضد ایرانی و تجزیه‌طلبانه از طریق رادیو باکو اشاره کرد. به گفته حسین احمدی «جمهوری آذربایجان که به لحاظ فرهنگی و مذهبی نزدیک‌ترین کشور بعد از فروپاشی شوروی به ایران است، در تقابل با ایران گوی سبقت را نه تنها از همسایگان ایران بلکه از کشورهای غیرمسلمان اروپایی ربوده و به پایگاه ضدامنیتی در برابر ایران تبدیل شده است» (احمدی، ۱۳۹۴: ۶۵).

## ۲. کشور ترکیه چگونه به ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران می‌پردازد؟

جدول ۲: توزیع فراوانی نقش کشور ترکیه در ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران از نظر

کارشناسان برحسب درصد

ردیف	گزینه	فراوانی	درصد
۱	تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای ترکیه و الگوگیری از آنها	۲۲	۳۲
۲	اقدامات تحریک‌آمیز ترکیه و تلاش برای جذب ترک‌ها	۱۷	۲۴/۵
۳	قرابت فرهنگی و زبانی آذربایجان ایران با ترکیه	۱۳	۱۹
۴	پیشرفت و توسعه ترکیه و تأثیر بر آذربایجان ایران	۱۱	۱۶
۵	تردد مردم آذربایجان ایران به ترکیه و مقایسه خود با آنها	۶	۸/۵
	مجموع	۶۹	۱۰۰

طبق یافته‌های جدول ۲، تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای ترکیه و الگوگیری مردم آذربایجان ایران از آن‌ها مهم‌ترین بستر چالش‌های قومی در آذربایجان ایران است که ۳۲ درصد کارشناسان این موضوع را تأیید کرده‌اند. همچنین اقدامات تحریک‌آمیز ترکیه و تلاش برای جذب ترک‌های دیگر کشورها با ۲۴/۵ درصد و قرابت فرهنگی و زبانی آذربایجان ایران با ترکیه با ۱۹ درصد، بیشترین نقش را در ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران داشته‌اند.

در رابطه با نقش کشور ترکیه که به گفته سلیمان‌اف «از چشم‌انداز تاریخی و قومی، دارای روابط بسیار نزدیکی با جمهوری آذربایجان و به‌عنوان نزدیک‌ترین و مهم‌ترین متحد جمهوری آذربایجان است» (Souleimanov, 2013: 18)، باید گفت: ترکیه سالانه مقصد هزاران مسافر از منطقه آذربایجان ایران است. در این سفرها اهالی با گردش چندین‌روزه در ترکیه به نزدیکی فرهنگی و زبانی پی می‌برند و به مقایسه می‌پردازند و این تأثیرات عمیقی در ذهن مردم آذربایجان ایران دارد. از طرف دیگر، به گفته قاسمی «برنامه‌های تلویزیونی صداوسیما، جذابیت اندکی دارند و همین امر علاقه ترک‌زبانان را به برنامه‌های تلویزیون‌های خارجی افزایش داده و آنان به مرور با ترکی استانبولی آشنا شده و اختلافات اندک مابین زبان ترکی آذربایجانی و آناتولی را پشت سر می‌گذارند» (قاسمی و همکاران: ۳۳۹). با توجه به تنوع رسانه‌ها، مخاطبان در انتخاب انواع رسانه‌ها و برنامه‌های آن‌ها دارای گرایش‌ها و انگیزه‌های متفاوتی هستند که افکار، خواسته‌ها، فرهنگ و به‌خصوص زبان در انتخاب برنامه‌ها تأثیر فراوان دارند.

همچنین، اقدامات تحریک‌آمیز ترکیه در راستای تلاش برای جذب ترک‌های دیگر کشورها نیز یکی از مهم‌ترین عواملی است که در ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران نقش دارد. در این رابطه می‌توان به تبلیغ پان‌ترکیسم و تلاش برای اتحاد ترک‌زبانان کشورهای دیگر، بهره‌برداری از پیوندهای زبانی برای آسیب‌پذیر ساختن یکپارچگی ملی ایران، تصویرسازی و بهره‌گیری از تأثیرات نمایشی شبکه‌ها و کانال‌های رادیو و تلویزیون در صدد القای احساس محرومیت در میان آذربایجانی‌های ایران اشاره کرد.

۳. کشور آمریکا چگونه به ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران می‌پردازد؟  
 جدول ۳، توزیع فراوانی نقش کشور آمریکا در ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران از نظر کارشناسان برحسب درصد

ردیف	گزینه	فراوانی	درصد
۱	سرمایه‌گذاری آمریکا در کشورهای مختلف دنیا	۱۵	۳۱
۲	تلاش برای تغییر رژیم ایران و استفاده ابزاری از حقوق قومیت‌ها	۱۲	۲۵
۳	طرح خاورمیانه جدید و کوچک‌سازی کشورها	۱۱	۲۳
۴	سرمایه‌گذاری و استفاده ابزاری از کردها	۷	۱۵
۵	برپایی کنفرانس‌ها و کمک‌های مالی به گروه‌ها و نخبگان قومیت‌ها	۳	۶
	مجموع	۴۸	۱۰۰

طبق یافته‌های جدول ۳، سرمایه‌گذاری آمریکا در کشورهای مختلف دنیا به خاطر منافع ملی‌اش، مهم‌ترین بستر چالش‌های قومی است که آذربایجان ایران را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد و ۳۱ درصد کارشناسان این موضوع را تأیید می‌کنند. همچنین تلاش برای تغییر رژیم ایران و استفاده ابزاری از حقوق اقوام با ۲۵ درصد و طرح خاورمیانه جدید و کوچک‌سازی کشورها با ۲۳ درصد، بیشترین نقش را در ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران داشته‌اند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بسیاری از معادلات منطقه‌ای آمریکا دچار چالش گردید. از این رو به‌منظور جلوگیری از تسری انقلاب به سایر کشورها، راهبرد جنگ سخت و نرم را در مقابل جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفت (مختاری، ۱۳۹۷: ۳۴). به باور بسیاری از سیاست‌گذاران دولت آمریکا، کامیابی این کشور در جهان و به‌خصوص منطقه خاورمیانه در گرو تقابل حداکثری با نظام اسلامی ایران است. به باور آن‌ها دولت ایران از جمله اصلی‌ترین موانع در برابر جهانی‌شدن سیاست غربی، اقتصاد غربی و فرهنگ غربی می‌باشد. از این رو، تلاش برای ذوب ایران در چرخه نظام جهانی، تغییر ماهیت رژیم حاکم بر ایران و تجزیه ایران، سه راهکاری است که به‌طور همزمان از سوی سیاست‌گذاران



آمریکایی در دستور کار دستگاه‌های امنیتی، اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک این کشور قرار گرفته است (حفگو، ۱۳۹۳: ۱۴). آمریکایی‌ها با بهره‌گیری از سازوکارهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی در پی آن هستند تا فرهنگ، روابط و نهادهای اجتماعی، احساس دل‌بستگی و انسجام ملی، وحدت سیاسی و مذهبی را مورد تهدید قرار دهند و زمینه فروپاشی از درون را فراهم کنند (مرادی و جمشیدیان، ۱۳۹۶: ۱۰).

بی‌ثباتی ناشی از غارت اقتصادی، بالکانیزه کردن سیاسی و ویرانی اجتماعی پیرامون از اهداف دائمی آمریکا است (کاتز، ۱۳۹۶: ۸۳). در این میان کتاب «مرزها و برادری؛ ایران و چالش هویت آذربایجانی»<sup>۱</sup> برندا شفر،<sup>۲</sup> توجه طرفداران تغییر رژیم ایران با استفاده از حربه گروه‌های قومی ایران در واشنگتن را به خود جلب کرد. وی سعی می‌کند نظر اکثر محققان را مبنی بر وجود همبستگی و هویت ملی در ایران نفی کند (Molavi, 2003). در این راستا، جان برادلی<sup>۳</sup> عنوان می‌کند، «آمریکا اکنون بیشتر بر سیاست‌های قومی درون ایران متمرکز شده و بر تأثیر احتمالی مسئله تکثر قومی ایران بر ثبات بلندمدت دولت جمهوری اسلامی و تأثیر کوتاه‌مدت بر جهت‌گیری سیاست خارجی و داخلی ایران معطوف شده است» (Bradley, 2006: 182).

از طرف دیگر، اسکارت ریتز،<sup>۴</sup> افسر اطلاعاتی سابق نیروی دریایی آمریکا می‌گوید: «جمهوری آذربایجان برای منافع آمریکا اهمیت زیادی دارد. به دلیل اینکه همسایه ایران و نزدیک‌ترین راه برای رسیدن به شهر تهران می‌باشد» (Plesch and Butcher, 2007: 28). بر اساس چنین تحلیل‌هایی است که تلاش آمریکا برای گسترش حضور نظامی خود در جمهوری آذربایجان و تحکیم پیوندهای نظامی با این کشور معنادار می‌شود (Bradley, 2006). در این راستا، در سال ۲۰۰۶ میلادی دولت آمریکا بودجه‌ای ۷۵ میلیون دلاری را برای ارتقای دموکراسی در ایران از کنگره درخواست کرده بود که از آن ۳۶ میلیون دلار به

- 
1. Borders and Brethen: (Iran and the Challenge of Azarbaijan)
  2. Brenda Shifer
  3. John Bradley
  4. Scarlet Ritter

تلویزیون صدای آمریکا و رادیو فردا تخصیص یافت و بقیه خرج گروه‌های حقوق بشری و شبکه ترک‌زبان زبان گونا تی‌وی مستقر در شیکاگو شد (Khalaji, 2007). گونا تی‌وی یک کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته به زبان ترکی آذربایجانی است که از شهر شیکاگو در ایالت ایلینوی آمریکا برنامه‌هایی را برای مردم ترک‌زبان در ایران تهیه می‌کند (Tohidi, 2006).

همچنین، سرمایه‌گذاری آمریکا روی کردها و استفاده ابزاری از آنها علیه مردم آذربایجان ایران از دیگر بسترهایی است که می‌تواند در ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران نقش داشته باشد. در نظر آنها، مناطق کردنشین ایران جزء کم‌توسعه‌یافته‌ترین مناطق ایران هستند و فقر یکی از عوامل اصلی بیکاری در گسترش تعارضات است (Dimore, 2006). بنا به چنین بررسی‌هایی است که یک ارتباط پنهانی بین آمریکا و کردها به وجود می‌آید که هدف آنها ناامن‌سازی بخش‌های شمال غربی ایران با تضعیف اقتدار دولت است (Zunes, 2007). نشریه «ویکلی استاندارد» در مقاله‌ای به قلم توماس مک‌اینری<sup>۱</sup>، معاون سابق رئیس ستاد هوایی آمریکا عنوان کرد: «عملیات گسترده هوایی به همراه عملیات پنهان حمایت از ناراضیان داخلی همان‌طور که در افغانستان اجرا شد، می‌تواند با استفاده از گروه‌های قومی غیرفارس برای سرنگونی رژیم طرح‌ریزی شود» (parker, 2006).

بهره‌برداری از تکثر هویتی ایرانی توسط آمریکا در موضوع پرونده هسته‌ای ایران نیز نمود یافته است. در این رابطه، جاشوا موراوچیک<sup>۲</sup> از مؤسسه آمریکن اینتر پرایز بر این موضوع تصریح می‌کند که «با توجه به توانمندی نظامی غرب، ارزش هسته‌ای نشدن ایران از پیامدهای خطرناک حمله نظامی بالاتر است» (Polkin, 2000). این در حالی است که مایکل مک‌فول<sup>۳</sup> و دیگران در مقاله‌ای عنوان می‌کنند که حمایت آمریکا از قومیت‌گرایی در ایران، باعث تنفر شدید مردم ایران از آمریکا می‌شود. مردمی که آمریکا سعی در جذب آنها برای مقابله با رژیم ایران دارد (McFaul, Milani and Diamond, 2006: 127).

- 
1. Mac Inner
  2. Jashova Moravchic
  3. Michael McFaul

## تجزیه و تحلیل بر اساس فرضیات پژوهش

طبق فرضیه اول تحقیق باید گفت: بهره‌برداری از مؤلفه‌های مشترک قومی با آذربایجان ایران توسط جمهوری آذربایجان از نظر (۳۱ درصد) و ترکیه از نظر (۱۹ درصد)، اقدامات تحریک‌آمیز جمهوری آذربایجان از نظر (۲۷ درصد) و ترکیه از نظر (۲۴/۵ درصد) و تحریکات و تبلیغات شبکه‌های ماهواره‌ای ترکیه از نظر (۳۲ درصد) و جمهوری آذربایجان از نظر (۱۷/۵ درصد) مصاحبه‌شوندگان مهم‌ترین عامل ایجاد چالش قومی در آذربایجان ایران است. جمهوری آذربایجان و ترکیه از ظرفیت‌های مؤلفه‌های قومی مشترک در راستای جذب و تحریک مردم آذربایجان ایران استفاده می‌کنند که در این رابطه می‌توان به حضور کشورهای آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی در صحنه سیاست داخلی و خارجی جمهوری آذربایجان در همسایگی و همجوار با ایران، وجود کشورهای منطقه نظیر عربستان با داعیه مرکزیت جهان اسلام و مصر به‌عنوان کشور مهم مسلمان و سنی‌مذهب و دوست آمریکا، برقراری روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی و فعال کردن یهودیان آذربایجان، استقرار مراکز راداری و شنود ناتو در مرزهای ایران در سواحل خزر و ... اشاره کرد که در تعارض با امنیت جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

همچنین به‌خاطر هم‌مرز بودن آذربایجان ایران با جمهوری آذربایجان و ترکیه، از یک طرف، شبکه‌های ماهواره‌ای این کشورها به سهولت و گاهی بدون استفاده از امکانات ماهواره‌ای قابل دریافت است و از طرف دیگر، برنامه‌های تلویزیونی صداوسیما، جذابیت اندکی دارند و همین امر علاقه ترک‌زبانان را به برنامه‌های تلویزیون‌های خارجی افزایش داده است و همان‌طور که واحدی عنوان می‌کند «رسانه‌های ترکیه و جمهوری آذربایجان به علت کوتاهی ما در جهت اهداف خویش از رسانه‌ها بهره می‌گیرند» (واحدی، ۱۳۸۶: ۶۷). رسانه‌های جمهوری آذربایجان و ترکیه از این وضعیت به نحو احسن استفاده می‌کنند؛ بنابراین فرضیه اول ارتباط زیادی با نتایج تحقیق دارد.

درباره فرضیه دوم باید گفت: سرمایه‌گذاری‌هایی که آمریکا در قبال تقویت و تحریک قومیت‌ها به خاطر سیاست‌ها و منافع ملی خودش انجام می‌دهد از نظر ۳۱ درصد

مصاحبه‌شوندگان، استفاده‌ی ارزی از حقوق ملت‌ها و قومیت‌ها و کمک‌های مالی به نخبگان قومیت‌ها از نظر ۲۵ درصد و کوچک‌سازی کشورها در جهت بهره‌برداری بهتر از منابع آن‌ها از نظر ۲۳ درصد مصاحبه‌شوندگان از مهم‌ترین بسترهای ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران است. آمریکا با تداوم حضور خود در منطقه خاورمیانه در کنار تلاش برای تغییر رژیم ایران از طریق ابزارهای نرم و سخت، به استفاده‌ی سیاسی از قومیت‌های ایرانی می‌پردازد که از مهم‌ترین آن‌ها اختصاص کمک مالی به محافل قوم‌گرای ایرانی و صدور مجوز برای راه انداختن شبکه‌های تلویزیونی قوم‌گرایانه و ضد ایرانی است. در این راستا، طرح خاورمیانه بزرگ که از طرف آمریکا مطرح می‌شود، تمام حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در خاورمیانه را در برمی‌گیرد و مخاطبان و عاملان این طرح، سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی، جامعه مدنی، قومیت‌ها، طبقات و اقشار مختلف مردم را شامل می‌شود؛ بنابراین ارتباط با نخبگان بخش‌های مختلف از جمله نخبگان قومی و استفاده از رسانه‌های مختلف از جمله ابزارهای این طرح هستند که کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا می‌کوشد از طریق ارتباط با سطوح مختلف مردم، سیاست‌های مورد نظر خود را عملیاتی کند؛ بنابراین فرضیه دوم نیز ارتباط زیادی با نتایج تحقیق دارد.

## بحث و نتیجه‌گیری

تنوع و تفاوت قومی در ایران با ظرفیت و فرصت‌های متعدد، از دیرباز به‌عنوان تهدیدی علیه تمامیت دولت - ملت بوده است، این مسئله زمانی بیشتر اهمیت داشته است که قومیت‌ها در مناطق یا سرزمین‌های خاصی مانند مرز میان دو یا چند کشور (مانند ترک‌زبانان آذربایجان در همجواری با جمهوری آذربایجان و ترکیه) متمرکز باشند که در این صورت تنوع و تفاوت قومی چالش‌هایی را به همراه خواهد داشت. از این رو در این تحقیق با عنوان «بررسی بسترهای فرهنگی - ارتباطی کشورهای خارجی در ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران»، عواملی که باعث ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران می‌شوند، در بسترهای خارجی و در دو سطح بین‌المللی، منطقه‌ای

ریشه‌یابی و واکاوی شد. در این راستا، در سطح بین‌الملل نقش کشورهای خارجی از جمله آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی در بسترسازی برای ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران بررسی شده است. در این رابطه، سرمایه‌گذاری‌هایی که این کشورها برای تحریک مردم آذربایجان ایران به خاطر منافع ملی خودشان انجام می‌دهند (از نظر ۳۱ درصد)، استفاده ابزاری از حقوق قومیت‌ها و کمک‌های مالی به نخبگان آن‌ها (از نظر ۲۵ درصد) کوچک‌سازی کشورها در جهت بهره‌برداری بهتر از منابع آن‌ها (از نظر ۲۳ درصد) مصاحبه‌شوندگان از مهم‌ترین بسترهای ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران بود.

در سطح منطقه‌ای نیز، نقش کشورهای همسایه از جمله جمهوری آذربایجان و ترکیه و نقش آن‌ها در ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران مورد توجه قرار گرفت. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که بهره‌برداری از مؤلفه‌های قومی مشترک با آذربایجان ایران توسط جمهوری آذربایجان (از نظر ۳۲ درصد) و ترکیه (از نظر ۱۹ درصد) مصاحبه‌شوندگان، مهم‌ترین عامل ایجاد چالش قومی در آذربایجان ایران است. چراکه این دو کشور با استفاده از این بسترهای فرهنگی و ارتباطی به اقدامات متعدد علیه امنیت جمهوری اسلامی در آذربایجان ایران می‌پردازند که درباره اقدامات تحریک‌آمیز جمهوری آذربایجان (۲۷ درصد) و ترکیه (۲۴/۵ درصد) مصاحبه‌شوندگان به این امر اذعان دارند. از جمله اقدامات تحریک‌آمیز این کشورها، تبلیغات و تحریکات رسانه‌ای و بزرگنمایی مشکلات مردم آذربایجان ایران در شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای است که در رابطه با ترکیه (۳۲ درصد) و در رابطه با جمهوری آذربایجان (۱۷/۵ درصد) مصاحبه‌شوندگان بر این نظر هستند.

در نتیجه از آنجا که تحریکات خارجی در بستر مطالبه‌ها و انگیزش‌های داخلی، زمینه بهتری را برای پیدایش و بروز چالش‌های قومی ایجاد می‌کنند، در شرایط کنونی جمهوری اسلامی ایران باید بسترها و زمینه‌های داخلی شکل‌گیری چالش‌های قومی در ایران را شناسایی کند و پیش از آنکه مورد سوءاستفاده و بهره‌برداری کشورهای خارجی قرار بگیرد، به حل و رفع این بسترها پردازد و با مدیریت بهینه تنوع قومی و شناسایی

قومیت‌های مختلف در کشور، بهانه و زمینه‌ای را برای ایجاد چالش‌های قومی در ایران توسط کشورهای خارجی نگذارد. در این راستا، پیشنهاد می‌شود:

۱. شبکه‌های استانی در مناطق آذربایجان از لحاظ کیفیت از همه نظر ارتقا یابند و بخش همه برنامه‌ها به زبان ترکی باشد و تولید و پخش برنامه‌های موسیقی محور، مسابقه محور، جنگ‌گونه با توجه به ظرفیت‌های فرهنگی-اجتماعی منطقه مورد توجه قرار گیرد تا مردم آذربایجان ایران را جذب کرد و از گرایش آن‌ها به شبکه‌های ماهواره‌ای کشورهای هم‌زبان همسایه کاست.

۲. دولت در راستای توسعه آذربایجان ایران و سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در استان‌های آذربایجان، اقدامات جدی و کاربردی انجام دهد تا مردم مشکلات اقتصادی نداشته باشند و رفاه را در زندگی خود احساس کنند. در این راستا، با توجه به اینکه منطقه آذربایجان دارای ظرفیت‌های کشاورزی بسیار بالایی است، باید سیستم کشاورزی مکانیزه شود، کارخانه‌هایی در این مناطق برای استفاده از این ظرفیت‌ها احداث شود، تلاش جدی برای صادرات این محصولات به بازارهای کشورهای همسایه به کار رود و از ظرفیت‌های بالای گردشگری آذربایجان برای جذب گردشگر داخلی و خارجی به صورت بهینه استفاده شود.

۳. به فرهنگ و ارزش‌های قومیت‌ها به‌ویژه مردم آذربایجان در ایران احترام گذاشته شود و با همه اقوام به صورت برابر برخورد گردد و از اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز پرهیز شود تا اقوام با حس تعلق بیشتری در کشور زندگی کنند که نتیجه آن افزایش وفاق و همبستگی ملی در کشور بوده و بستری برای سوءاستفاده کشورهای دیگر وجود نخواهد داشت.

## فهرست منابع و مآخذ

### الف. منابع فارسی

- احمدی، محمدحسین؛ الوند، مریم (۱۳۹۱)، نقش قوم‌گرایی در ناآرامی‌های اجتماعی، فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال ۴، شماره ۲، صص ۱۸۲ - ۱۵۹.
- احمدی، حسین (۱۳۹۴)، جمهوری آذربایجان؛ ۲۳ سال تکاپو برای دولت و ملت‌سازی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ دوم.
- احمدی، حمید، (۱۳۹۵)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران؛ افسانه و واقعیت، تهران، نشر نی، چاپ چهاردهم.
- ادواردز، بیورلی میلتون، (۱۳۸۳)، سیاست و حکومت در خاورمیانه، ترجمه دکتر رسول افضلی، تهران، مؤسسه فرهنگی - هنری بشیر علم و ادب، چاپ اول.
- اسمیت، آنتونی. دی (۱۳۹۱)، ناسیونالیسم و مدرنیسم: بررسی انتقادی نظریه‌های متأخر ملت و ملی‌گرایی، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران، انتشارات ثالث، چاپ اول.
- برتون، رولان (۱۳۹۴)، قوم‌شناسی سیاسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران، نشر نی، چاپ هشتم.
- بیات، کاوه (۱۳۸۱)، جمهوری اسلامی ایران و مسئله آذربایجان، فصلنامه گفت‌وگو، شماره ۳۳، صص ۹۲ - ۷۹.
- بین، مایکل (۱۳۹۴)، فرهنگ اندیشه انتقادی از روشنگری تا پسامدرنیته، ترجمه پیام یزدانجو، تهران، نشر مرکز.
- تنسی، استیون. دی و جکسون، نایجل (۱۳۹۲)، مبانی سیاسی، ترجمه جعفر محسنی دره‌بیدی، تهران، انتشارات ققنوس.
- حقگو، جواد (۱۳۹۳)، آمریکا و تجزیه‌طلبی قومی در ایران، تهران، مؤسسه فرهنگی - هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- دعاگویان، داود و عبدالرحمانی، رضا (۱۳۹۶)، بررسی نقش رسانه‌ها در گسترش درگیری‌های قومی در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی، پژوهش‌نامه مطالعات مرزی، سال ۵، شماره ۳، صص ۵۶ - ۲۷.
- شفیعی، جمال و محمدی، رضا (۱۳۹۸)، ارائه راهبردهای فرهنگی تحکیم و توسعه درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه امنیت ملی، سال نهم، شماره دوم، صص ۷۴-۵۲.

- شمس دولت‌آبادی، سید محمودرضا و زرگرزاده، محمدعلی (۱۳۹۸)، **چالش‌های دفاعی - امنیتی حوزه دریای خزر از منظر منافع امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه امنیت ملی، سال نهم، شماره ۳۱، صص ۱۰۶-۷۹.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۸)، **مدیریت منازعات قومی در ایران**، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ دوم.
- صالحی، منصور (۱۳۹۰)، **بررسی درگیری‌ها و بحران‌های قومی در ایران (مورد مطالعه استان اردبیل در دهه ۸۰)**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور قزوین، استاد راهنما: دکتر بهرام نوازی.
- صدر، منیژه و نیکبخت، رحیم (۱۳۸۶)، **پیدایش فرقه دموکرات آذربایجان به روایت اسناد و خاطرات منتشر نشده**، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۹)، **همسازی و تعارض در هویت و قومیت**، تهران، انتشارات گل آذین.
- قاسمی، محمدعلی؛ نامور، جعفر و مولوی، سید شمس‌الدین (۱۳۸۷)، **نقش گرایش‌های قومی در بروز بحران‌های شهری: بررسی موردی حوادث خرداد سال ۱۳۸۵ شهرستان ارومیه**، نشریه پژوهش‌های مدیریت انتظامی، دوره ۳، شماره ۳، صص ۳۴۳ - ۳۲۳.
- قوشچی، محمدرضا و نادری، محمود (۱۳۹۳)، **جهانی‌شدن و تکثرگرایی قومی در ایران**، چالش‌ها و فرصت‌ها، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن، سال پنجم، شماره ۱۴، صص ۹۱ - ۵۵.
- کاتز، کلودیو؛ اشمیت، جان؛ سرنی، پائولا و جون کوفاس (۱۳۹۶)، **امپریالیسم در قرن بیست و یکم**، ترجمه داوود جلیلی، تهران، انتشارات گل آذین، چاپ دوم.
- کالهن، کریک (۱۳۹۳)، **ناسیونالیسم**، ترجمه محمد رفعی مهرآبادی، تهران، انتشارات آشیان.
- کجوری، مهرداد و قمی، علی (۱۳۹۳)، **نقش عوامل خارجی در شکل‌گیری بحران‌های قومی**، ماهنامه مطالعات سیاسی راه‌نما، نشریه تخصصی مطالعات بین‌المللی تروریسم، سال ۴، شماره ۱۱، صص ۲۰ - ۳.
- کردل، کارل و ولف، استفان (۱۳۹۳)، **منازعات قومی**، ترجمه عبدالله رمضانزاده، تهران، انتشارات فرهنگ‌شناسی، میزان، چاپ اول.
- کریمی، علی (۱۳۹۰)، **درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی تنوع قومی: مسائل و نظریه‌ها**، تهران، انتشارات سمت.
- کوئن، بروس (۱۳۸۵)، **درآمدی به جامعه‌شناسی**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر توتیا، چاپ اول.



- ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۸۸)، تبیین منازعات قومی بر اساس تئوری‌های مداخله‌نگاهی به تهدیدات نرم ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات عملیات روانی، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۱۵۱ - ۱۱۹.
- مختاری، عبدالله (۱۳۹۷)، تأثیر بعد اجتماعی جنگ نرم دشمن در دانشگاه‌های کشور و ارائه راهبرد، فصلنامه امنیت ملی، سال نهم، شماره ۳۱، صص ۳۳-۵۰.
- مرادی، حسن و جمشیدیان، هادی (۱۳۹۶)، بررسی جنگ نرم دشمن در دانشگاه از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و پنجم، صص ۳۸-۱۰.
- مقصودی، مجتبی، (۱۳۸۱)، تحولات قومی در ایران؛ علل و زمینه‌ها، تهران: موسسه مطالعات ملی، چاپ اول.
- واحدی، الیاس، (۱۳۸۶)، هویت قومی در جمهوری آذربایجان تهران، موسسات فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چاپ اول.
- واینر، مایرون؛ هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۷۹)، درک توسعه سیاسی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.

## الف. منابع انگلیسی

- Bradly, R. J. (2008). Iran's Ethnic Tinderbox, The Washington Quarterly,
- <https://southaz.blogspot.com>, irans-ethnic-tinderbox.html
- Dimore, G. (2006). U.S. Marines Probe Tension Among Iran s Minority. the Financial Times. Thursday, <http://www.ft.com/cms>
- Gurr, T. R. (2002). Minoritis at Risk: A global View of Ethnopolitical Conflical, IndianaUniversity Press. Volume 49, Number 4, pp. 143-144
- Held, D. (2000). A globalizing world? Culture, economics and politics, London and New York in Association with the Open University
- McFaul, M. Milani, A. and Diamond, L. (2006). Awin – Win U.S. Strategy for Dealing with Iran. The Washington Quarterly, <https://web.stanford.edu/~amilani/downloads>
- Molavi, A. (2003). Iran's Azeri Question: What Does Iran's Largest Ethnic Minority Want?, <http://www.eurasianet.org>.
- Nassibu, N. (2012). Azerbaijan Relations: Past and Present, Khazar University, Bako Azerbaijan, Journal of Azerbaijani Studies, <https://geopoliticalfutures.com>
- Obershall, A. (2007). Conflict and Peace Building in Divided Societies, Responses to Ethnic Conflict, London Routledge, <https://www.researchgate.net>
- Parker, R. (2006). Neocons Want to Use Afghan Model in Iran,
- <http://www.parapundit.com/archives/003379.html>

- Plesch, D, Butcher, M. (2007). Considering A War Aith Iran, centre for international studies and diplomacy, <https://eprints.soas.ac.uk>.
- Polkin, A. (2007). Iran Deadline Expires Today: What Next? <http://www.atlantic-community.org/index.php/items/view/Iran>
- Shifer, B.(2006). Iran's Volatile Ethnic Mix, <http://www.nytimes.com>
- Souleimanov, K. P , Josef, K. (2013). The Rise of Nationalism among Irania Azerbaijanis: A Step Toward Iran ,s Disintegration.<https://www.academia.edu>
- Tohidi, N. (2006). Iran: regionalism, Ethnicity and Democracy, [www.openDemocracy.net](http://www.openDemocracy.net)
- Zunes, S. Z. (2007). United States and Regime Change in Iran, <https://www.nonviolent-conflict.org/>